

اخبار

حمید حامی
برای اردوهای جهادی خواند



نماهنگ «دعوتنامه» که به توصیف اردوهای جهادی اختصاص دارد، مراحل تولید خود را با خوانندگی حمید حامی به اتمام رساند. به گزارش «وطن‌امروز»، نماهنگ دعوتنامه که به توصیف اردوهای جهادی اختصاص دارد، مراحل تولید خود را با خوانندگی حمید حامی به همت خانه فیلم داستانی به اتمام رساند و بزودی از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها و فضای مجازی پخش می‌شود. نماهنگ «دعوتنامه» به خوانندگی حمید حامی در خانه فیلم داستانی تولید شده است و بزودی منتشر می‌شود. این نماهنگ که با ترسیم فضای اردوهای جهادی، عشق و ارادت جهادگران به امام زمان(عج) را به تصویر می‌کشد با حضور حمید حامی، خواننده مطرح کشور فیلمبرداری شده است. برای ساخت این نماهنگ تیم تولید با حضور در روستای «سر آقا سید» از توابع شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال‌و‌بختیاری تلاش کرده‌اند فضایی عینی از اردوهای جهادی را به تصویر بکشند. نماهنگ «دعوتنامه» به کارگردانی ابودر حیدری تولید شده است که پیش از این ساخت فیلم نیمه‌بلند «چشماتو ببند» و ۲ نماهنگ «عبادانه» و «قره جادو هست» را در کارنامه خود دارد.

مستند انقلاب جنسی عرضه شد



عرضه اینترنتی مستند «انقلاب جنسی» با پرداخت به موضوع بحران جنسی در کشور آغاز شد. به گزارش مهر، مستند «انقلاب جنسی» تازه‌ترین اثر تولید شده در موسسه آرمان مدیا از روز گذشته ۱۲ شهریورماه به صورت اینترنتی توزیع می‌شود. این مستند آزادی‌های جنسی در ایران را نمایش می‌دهد و با طرح جمله «امروز ما در ابتدای مسیری هستیم که غرب از ۲۰۰ سال پیش در راه آزادی‌های جنسی طی کرده است» زنگ خطر را به صدا در می‌آورد. مستند «فقلاب جنسی» با نگاهی متفاوت به زیست جنسی مردم هلند، فرانسه و اسپانیا تلاش می‌کند مخاطب را نسبت به دنیای غرب نزدیک‌تر کند. آرمان مدیا این مستند را پس از «میراث آلبرتا ۲» تولید و منتشر کرده است و تیم تولید آن عبارتند از کارگردان: حسین شفقدری، تهیه‌کننده: محمدحسین مددی و مدیر تولید: آرتا بهشتی؛ محسن اخوان‌فر، علاقه‌مندان به مراجعه به سایت www.Filmir.com می‌توانند نسبت به تهیه این فیلم اقدام کنند.

رقابت سنگین ماجرای نیمروز، نفس و رگ خواب در جشن خانه سینما

فهرست نامزدهای نوزدهمین جشن خانه سینما در حالی اعلام شد که رقابت اصلی برای دریافت جوایز این دوره میان فیلم‌های «ماجرای نیمروز»، «ففس»، «رگ خواب» و «فروشنده» است. به گزارش «وطن امروز» در این فهرست در بخش بهترین کارگردانی نام محمدحسین مهدویان برای «ماجرای نیمروز»، رضا میرکریمی برای «دختر»، حمید نعمت‌الله برای «رگ خواب»، اصغر فرهادی برای «فروشنده» و رضا درمیشیان برای «لاتوری» اعلام شده است و در بخش بهترین فیلمنامه نیز نام آثاری چون پیمان قاسم‌خانی برای «خوب، بد، جلف»، مهران کاشانی برای «دختر»، معصومه بیات برای «رگ خواب»، اصغر فرهادی برای «فروشنده» و سهیل بریقی برای «من» به چشم می‌خورد. همچنین فیلم‌های «ماجرای نیمروز»، سیدمحمدرضوی، «ففس» و محمدحسین قاسمی، «رگ خواب» حمید نعمت‌الله، «دختر» رضا میرکریمی، «برادر خسرو» سعید ملکان، «فروشنده» اصغر فرهادی و «لاتوری»، رضا درمیشیان به عنوان نامزدهای بهترین فیلم این دوره از جشن خانه سینما معرفی شدند.

نکته جالب توجه این فهرست نامزد شدن ۳ تن از بازیگران فیلم «ماجرای نیمروز» در بخش بهترین بازیگر نقش مکمل مرد است. هادی حجازی‌فر، جواد عزتی و احمد مهرانفر ۳ بازیگری هستند که برای بازی در ماجرای نیمروز کاندیدای بهترین بازیگر مکمل مرد شده‌اند. تندیس‌های جشن بزرگ سینمای ایران روز ۲۱ شهریور در آیین پایانی این رویداد به برگزیدگان اهدا خواهد شد.

ابوالقاسم طالبی در مراسم تجلیل از سینماگران ضداستعماری:

فقط مدیون انقلابیم

گزارش «وطن‌امروز» از کارنامه سینمایی کارگردان «یتیم‌خانه ایران»



گردوه فرهنگ و هنر: ۱۱ شهریور به مناسبت شهادت رئیس‌علی دلواری به عنوان روز مبارزه با استعمار انگلیس نامگذاری شده است و به همین مناسبت آیین بزرگداشت ابوالقاسم طالبی کارگردان یتیم‌خانه ایران و ضیاءالدین دری کارگردان سریال کیف انگلیسی در محل سفارت سابق آمریکا برگزار شد. به گزارش «وطن امروز»، ابوالقاسم طالبی در این مراسم اظهار داشت: «ما انقلابی هستیم به اصولگرا، نه اصلاح‌طلب و نه اعتدالی، این موضوعات حزبی را بیرون بریزید و به این توجه کنید که ما بچه‌های انقلاب هستیم برای همین وقتی حامد بهداد در جشن منتقدان جایزه خود را به شهید حججی تقدیم می‌کند ما باید این خبر را در جاهای مختلف تکثیر و برجسته کنیم. ما بچه‌های انقلاب فقط به انقلاب مدیون هستیم نه کس دیگر». وی همچنین با اشاره به نامگذاری این روز به عنوان روز مبارزه با استعمار انگلیس افزود: «جای چنین روزی در تاریخ ما خالی بود زیرا انگلیس به ما ضربه زیادی زده است. من در مطالعاتی که انجام دادم متوجه شدم در این رابطه غفلت زیادی کرده‌ایم و به همین سبب انگلیسی‌ها از این موضوع خوشحال هستند. وقتی درباره قحطی سال‌های ۱۳۰۰ تحقیق می‌کردم متوجه شدم انگلیسی‌ها در این ۱۰۰ ساله که قحطی به وقوع پیوست کاری کردند که اگر یک نفر تا مقطع دکترا در رشته تاریخ درس بخواند متوجه نشود انگلیسی‌ها چه بر سر کشور ما در دوران قحطی آوردند. این موضوع نشان می‌دهد که انگلیس حيله‌گر و مکار کار خود را به درستی انجام داده است و ما باید او را بشناسیم». همچنین ضیاءالدین دری، کارگردان سریال‌های «کیف انگلیسی» و «کلاه پهلوی» بیان کرد: «ما باید همواره یادمان باشد استعمار عامل اصلی انقلاب بود و کار ما برای مبارزه با استعمار زیرکانه بود و ما این کار را با پرچم امام حسین(ع) انجام دادیم». دری همچنین اظهار داشت: «چند روز پیش شنیدم خانم وندی شرم‌ن که یکی از اعضای عالی‌رتبه در مذاکرات هسته‌ای بود گفته است تیم هسته‌ای ایران فرق بین کلمه «لفت» و «ریموو» را نمی‌دانستند، این موضوع استعمار آنها را نشان می‌دهد و ما می‌توانیم تیم مذاکره‌کننده ما معنی این واژه‌ها را می‌داند بنابراین باید حواس‌مان را جمع کنیم».

پیچ و خم‌های یک سینماگر انقلابی

جریان سینما همواره با موج‌ها حرکت می‌کند. روزی سینمای ایزدور، روزی سینمای اکشن و تینجری، امروز هم ترکیبی از کمدی مبتذل در کنار رئالیسم سیاه موج سینمای ایران را شکل داده است. تجربه نشان داده است همواره می‌توان با موج‌سواری در سینما، به شهرت و ثروت گیشه رسید اما همواره هنرمندانی برجسته ماندند که برخلاف امواج شنا کردند و به واسطه خلق آثار دغدغه‌مند خود موجب ایجاد موجی جدید شدند. ابوالقاسم طالبی همواره در سینمای خود خلاف موج شنا کرده است، با این حال هیچگاه منتقدان نتوانستند از ارزش هنری آثار طالبی بگذرند و این کارگردان در عین دغدغه‌مندی محتوایی خود، ارزش فرمی را در آثار خود حفظ کرده است. طالبی فارغ‌التحصیل رشته حقوق قضایی است. فعالیت‌های هنری را با نگارش قصه‌های کوتاه شروع کرد و نخستین نمایشنامه خود را با نام «آن کس که می‌داند» در اصفهان نوشت. پس از ساخت چند فیلم کوتاه و ویدئویی فعالیت سینمایی را سال ۱۳۷۱ با دستیار کارگردانی جواد شفقدری در فیلم «بر بال فرشتگان» آغاز کرد. طالبی از سال ۷۴ فیلمسازی حرفه‌ای را با «ویرانگر» آغاز کرد. در آن برهه اگرچه بیش از یک دهه از عمر انقلاب می‌گذشت اما در فضاهای هنری نیروهای انقلابی مهجور بودند و کوچک‌ترین اثری که در راستای ارزش‌های اسلامی و میهنی بود،

ادبیات

احمد شاکری می‌گوید: جشنواره‌های ادبی به افزایش تب انتشار کتتاب دامن می‌زنند، زیرا آثاری برگزیده می‌شوند که حداقل ملاک‌های برگزیده شدن را ندارند. به گزارش ایسنا، این نویسنده کشورمان درباره تب نوشتن و نویسنده شدن اظهار کرد: گاهی اشتیاق برای انتشار مطالبی که نوشته شده بیشتر از اشتیاق به نوشتن است. نوشتن از حیث خود چندان محل ایراد نیست، مشکل بیشتر تب انتشار است، یعنی اشتیاقی وافر به انتشار کاری که هنوز صلاحیت‌های لازم را برای انتشار ندارد. وی همچنین با اشاره به اینکه تب انتشار کتاب مختص نوقلمان و کسانی که با این حوزه آشنایی ندارند، نیست، خاطر نشان کرد: تب نوشتن لزوماً به این معنا نیست که کسی با هزینه شخصی خود کتاب منتشر کند. ما شاهد هستیم نویسندگان بزرگ، حرفه‌ای و جدی ما اشتیاقی روزافزونی به نشر دارند و کارهای‌شان را قبل از اینکه اثر قابلیت لازم را برای انتشار داشته باشد، منتشر

غیررسمی توقیف می‌کند و به همین دلیل بعد از یک هفته و نیم اکران در چند سالن محدود، به نمایش آن خاتمه داده می‌شود.

■ **فغمه**، «اساطیر عشق

ابوالقاسم طالبی پس از آغاز دهه ۸۰ دفاع مقدس و یادگاران آن یعنی جانبازان و شهدا را سوژه فیلم‌های خودش قرار داده و «فغمه» نخستین اثر او در این باره است. این فیلم که در ژانر عاشقانه و با محور عشق اساطیری با بازی حسین یاری، ققیبه سلطانی و... تولید شده است توانست در جشنواره‌های مختلف نظیر جشنواره فیلم فجر، جشن خانه سینما، جشنواره کراالی هند و... حائز مقام شود. داستان نغمه مربوط به یکی از جانبازان شیمیایی به نام محمود است که مبتلا به سرطان بوده و اتفاقات زیادی را در دنیای مدرن تجربه می‌کند.

عروسای افغانستان

فیلم «عروس افغان» که بیشتر به معضلات مهاجران افغان در ایران پرداخته، قصه جوانی افغان به نام «گل محمد» را روایت می‌کند که برای تهیه شیربهای دختری که سخت به او دل بسته است، به پاکستان می‌رود و در آنجا به کارهای مختلفی چون روزنامه‌فروشی، جاروکنشی و مشغول می‌شود. گل محمد زمانی به افغانستان بازمی‌گردد که رژیم طالبان سرنگون شده و به او خبر می‌دهند که در تلاش داشتند با حربه با پاکوت و تحریم، بازیگران فیلم طالبی را از همکاری با وی بترسانند و آنها را وادار کنند تا از طالبی و فیلمش برائت جویند. این پاکوت بعضاً به پر خاشاکری زرد و خورد نیز می‌رسید. برخوردهای غیراخلاقی و دیکتاتورمآبانه افرادی نظیر باران کوثری، کمال تبریزی و... به علیرام نورایی، بازیگر نقش اول قلابه‌های طلا باعث شد برخی به نورایی صفت مظلوم‌ترین بازیگر سینمای ایران را بدهند. البته علیرام نورایی بعد از قلابه‌ها و به‌رغم همه تحریم‌ها بارها اصلی‌ترین نقش‌ها در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی را برعهده گرفت.

جنگ بزرگان در دنیای کودکان

طالبی در فیلم دیگر خود که در سال ۸۳ تولید شده است، حمله آمریکا به عراق را دستمایه قصه خود قرار داده و در این داستان علی ۱۲ ساله که در یکی از روستاهای عراق زندگی می‌کند و در پی حمله آمریکا به عراق، همه اعضای خانواده خود را از دست داده، تنها برادر یکساله خویش را نیز گم می‌کند و او دنبال برادرش به طرف مرز ایران حرکت می‌کند اما در طول راه با مشکلات زیادی مواجه می‌شود و در نهایت به اردوگاه می‌رسد و اتفاقات داخل اردوگاه برای او از جهتی خوب و از جهتی دیگر بسیار سخت و دشوار است.

موج‌های جنگ علیه موج‌های سینما

طالبی در همکاری خود با خسرو شکیبایی، میرزا زاری، فاطمه گودرزی، مسعود رایگان و... توانست فیلمی اثرگذار از جانبازان اعصاب و روان بسازد. فیلم «دست‌های خالی» روایت بی‌رحمی دنیای مدرن است که به شکلی هنرمندانه در قالب

احمد شاکری:

بازار کتاب پر از کتاب‌هایی است که خواننده نمی‌شود!

در کشور تقلیل می‌دهند. او با بیان اینکه برخی از جشنواره‌ها در تقلیل می‌دهند نویسندگی شریک هستند، خاطر نشان کرد: جشنواره‌های آثاری را برمی‌گزینند که ملاک‌های حداقلی برگزیده شدن در آنها وجود ندارد. آنها با این کار عملاً به تب انتشار دامن می‌زنند و این غیرقابل تحمل است. خیلی از جشنواره‌ها اصرار دارند که حتماً برگزیده داشته باشند، در حالی که این هدف‌گذاری دقیقی نیست. اثری که در جشنواره‌ها برگزیده می‌شود باید ضمن لحاظ حداقل‌های لازم، خصوصیت ویژه‌ای داشته باشد. این نویسنده دیگر دلیل افزایش تب انتشار کتاب را فقدان تجربه زیستی و داشتن رویکرد فرمی دانست و گفت: یکی از



می‌کنند. به تعبیری در ذهن برخی حرفه‌ای‌نویسی به معنای انتشار مستمر و سالانه یک یا چند عنوان کتاب است. وی افزود: انتشار آثار تأثیرگذار نیز یکی از دلایل اشتیاق کاذب برای نشر کتاب است، یعنی با انتشار این کتاب‌ها، این توهم در مخاطبان عادی که با این عرصه آشنا نیستند، ایجاد می‌شود که آنها نیز قادر به چنین کاری هستند. به طور مثال زمانی که ترانه‌ای به‌اصطلاح گل می‌کند خیلی‌ها هستند که آن را تکرار می‌کنند و با وام‌گیری از آن چیز مشابهی را می‌آفرینند. این از جهتی سازنده است اما جنبه مشکل‌آفرینش انتشار برخی آثار ضعیف، عامه‌پسند، کلیشه‌ای و غیرخلاق است. به نظر ما اینها معیار و ملاک نویسندگی را

شعر

مثنوی بلند علی محمد مودب در استقبال از شهید حججی نگاه آخر او شعله هزار چراغ دل ای دل ای دل من! عزم کن قلم بردار! به یاد شاه‌الفضل من قدم بردار

گلوریده نبود، زبان پریده مباحش! حیا چشم شهیدان کن و دریده مباحش! چوبرق تیغ به دل‌های ترس برده بزین به‌نام واقعه بر لحظه‌های مرده بزین چه گفت: بر سر آن نیزه‌سر که سنگین است سر بریده سخن گفتنش به آیین است

بینین صلیت شش‌ران شام جولان را مبارک است بپر نام این شهیدان را بخوان! زبان لہیب و جرات و تب باش به راه‌شام چنین در در کاب زینب باش سلام بر سخن تو، سلام بر توشه‌پدا فدای سوختن تو، سلام بر توشه‌پدا چنین شکوه و تجمل مبارک‌باد! درخت بی‌سر من، گل مبارک‌ت باد! به روز معرکه سر باختی و گل کردی سلام بر توادر این آخرالزمان مرد در این زمانه که برخی به هرزگی لافند مگر زخخ خون تو بیریقی بایفند چه بیریقی که به عزت‌م کند ما را به‌اعتبار شمامحترم کند ما را

شکوه عزم تو از این نبرد با ما ماند ز سربلندی تو نام مرد با ما ماند توحجتی که هنوز این قبیله سرزنده است علم به دست جوامر دهای رزمنده است نسیم عشق تو پیچیددر مداین ما شهیدمجلس حسن حسین امحسن ما! خوشابه عزم تو زین بند آهنی رستن ز ننگ عشوه مردان منحنی رستن شکست ذلت تسلیم، شوکت ما را شهیدی آمدنو کرد فرصت ما را نشان عزت این خاک داغدار شده بر آستانه زینب، سری نثار شده مراه نام تو در این حریم راه دهند مراه به سابلت از خوشستن پناه دهند که ساعتی به توبینم عتاب خویش کنم قیامتی که سوال و جواب خویش کنم شب شکستن شمشیر در گلوئی کسی است بخوان که گریه کنتم، تیر در گلوئی کسی است یگانه مردی از این خیل بی شمار که هست یکی دلار یکه از این هزار که هست یکی که جبهه‌او عطر مصطفی دارد که استواری سقای کربلا دارد

یکی به جنگ حرم و حرامیان رفته یکی که او شده یکسر خود از میان رفته به قهر شیرترین‌ها و حیدرترین به لطف شعر ترا ز هر چه تو ناله‌ترین مپی چنان که دل امتی ز سوغش داغ نگاه آخر او شعله هزار چراغ چه شعله‌ها که به بدل‌ها فکند داغ بلی که باخت جان بی چه مقدسی ازلی غروب روز دهم شد فلابی حیدر غروب روز دهم ساعتی ست نامحشر غروب روز دهم، روزگار حیرت ماست غروب روز دهم، امتحان غیرت ماست شکسته خیل اسیران به شام رهسپرند از آن قبیله ناشی تو را کجا بپرند؟ از آن قبیله شدن سخت‌سخت و آسان است از آن قبیله که شیطان از آن هراسان است لپاز حرام‌بند و دل از حلال بپر ز هر چه غیر خاددل در این مجال بپر بلی به قامت بشکوه پادی از عباس شکوه هیبت خشمش نمای از عباس یکی زمانه‌ها از آسمانی‌ها در این زمانه یکی بود از آن جهانی‌ها یکی از این همه جان جوان که منتظرند که بر منابر آفاق نام‌وبپرند یکی از این همه مردان که مانی‌بینیم خیل مرگ‌نوران که مانی‌بینیم به آن دودیده که هر آن ندیده را می‌دید همین ندیده گرفتن فقط زما می‌دید چه طعنه‌ها که شنید از دهان سایه و سنگ چه زجرها که شنید از غرور زخمه و رنگ امان مانگش بود امان ندادیمش امان ز طعنه و زخم زبان ندادیمش به صبح واقعه پیوست از این غروب گذشت گذشت از همه ما، گذشت و خوب گذشت عقیق بود دلش داغ کربلا داشت قنوت نیمه‌شبش عطر باغ بالا داشت یکی که یک‌تنه باهر من برابر شد که در مصاف سیاهی هزار لشکر شد هزار آینه شد در هزار خانه شکفت شمیم صبر و سکوتش به هر ترانه شکفت به یک نگاه که در مدان گل قافله کرد هزار هادل هزار آفته از هزار فریب دوباره مست شد از عطر جادونه سبب سلام بر تو بر سلام، بر سر تو سلام بر توو بر چهره منو تو سلام بر تو که نادیده را نشان دادی به یک‌نگه عجب، خاک را تکان دادی سلام بر تو، سلام بر تو می‌بر ما نسیم خیمه‌گه کربلا تویی بر ما سلام بر تو که باهر سلام می‌آیی سلام بر تو که با آن امام می‌آیی غرور شیفتگان را تمام خواهد کرد همین سلام جهان را سلام خواهد کرد